

<p style="text-align: center;"><b>في جواب ميرزا محمد ابراهيم شيرازي</b></p>	<p style="text-align: center;">عنوان</p>
<p style="text-align: center;">حضرت نقطه اولی</p>	<p style="text-align: center;">اثر</p>
<p style="text-align: center;">مجموعه صد جلدی شماره 91 صفحه 170-180</p>	<p style="text-align: center;">ماخذ این نسخه</p>
<p style="text-align: center;">مجموعه خصوصی 3064 صفحه 86 مجموعه خصوصی 6005 صفحه 244 مجموعه خصوصی 3030 صفحه 170 ظهور الحق جلد 3 صفحه 225-227 (165 بدیع)</p>	<p style="text-align: center;">سایر ماخذ</p>
<p style="text-align: center;">بوشهر بعد البعثة وقبل الحج</p>	<p style="text-align: center;">محل نزول</p>
<p style="text-align: center;">5 جمادي الاول 1260 — 15 جمادي الثاني 1260</p>	<p style="text-align: center;">سال نزول</p>
<p style="text-align: center;">ميرزا محمد ابراهيم شيرازي، أحد المنكرة الثلاثة المنكرة الثلاثة: (1) الملا جواد الويلاني البرغاني (2) الملا عبدالعلي الهراتي (3) الميرزا محمد ابراهيم الشيرازي</p>	<p style="text-align: center;">مخاطب</p>

## بسم الله الرحمن الرحيم

قبله محترم دام عزكم تلاوت آيات كريمه را نموده ولي چه بسيار عجيب است كه اهل بصيرت تابع اقوال مردم و هوای نفس شوند لاجل اتباع حكم دين من حيث لا يعلمون اگرچه از طريقه اهل علم دور است در مقاميكه مخاطب ایشان در امری بلا علم واقع و حجة ظاهر شك نماید او را بجواب مجاب فرمایند ولی از آنجائیکه در مقام عبودیه و اقمم متحمل غیر طریقة اهل حکمت میشود حکم صاحب این امر از دو مرحله خارج نیست یا حق است فطوبی لمن اتبعه باطل فالویل لمن عرفه و أحبه و شکی نیست از برای هر حق و باطل خداوند عالم علامتی معین فرموده که بان تمیز داده شود و این علامة تصدیق و تکذیب ناس نخواهد بود ولی تصدیق اهل عدل حجتی است قوی و لکن امر در تمیز عدول از برای کافه مردم امریست صعب و بهر نفسی واجبست که بنفسه تمیز حق از باطل را نماید بعد از اثبات این مقدمه شبهه نیست که هرگاه کسی امروز ادعای بر امری نماید که باعث بر انکار جزئی از ضروریات دین نباشد با حجة وافیة بکل عالم فرض است تصدیق حکم او نمایند و به اجماع مذهب امامیه هرگاه امروز حکمی از امام زمان - علیه السّلم - صادر شود و کل اعراض نمایند کافر میشوند زیرا که مناط دین عمل صوم و صلوة نیست بلکه اتباع حکم صادره از خود ایشان است و شبهه نیست که اکثر مردم در مقام اضل از انعام واقع هستند بلکه مؤمن خالص بنص حدیث: **"اقل از کبریت احمر است"** در این مسئله در عمل حج که خدا میداند عدد او را سه نفر در صحیفه امام عدل مکتوب شده که حکم آن را در خطه بغداد نوشتم سایر اعمال مردم را هم مثل این فرض نمایند تعجب نفرمایند که امر حق ادق و اعظم از این است و اکثر هالك هستند الا ممن شاء الله انه عزیز غفور

بعد از فوت مرحوم سيد مثل سيدی در ميانه طائفه ايشان لابد است که در هر عصر ميباشد معذلك از اين فتنه خارج نشد مگر همان فقراء از ارض مقدسه هجرت نموده و ايشان در کتاب امام حق اشرف خلق مکتوبند با وجود اينکه بر سبيل ظاهر کسی اعتنای بدیشان ندارد و مرادم از ذکر اين فقرات حد خلق است که رشحه عالم باشند حال مردم از کسیکه مدعی امریست حجة ميخواهند چه حجة از اين عظيم تر است که در عجم خداوند عالم کسی ظاهر فرمايد بلسان قرآن که اگر جميع اهل ارض جمع شوند نتوانند حرفی از کلمات را بفهمند چه جای اينکه بتوانند يقان بمثل نمايند حال از آنچه ظاهر شده چشم پوشيده سورة که در همين ورقة نازلشده کفايت ميکند در حجة بودن آن اهل ارض را هرگاه کل قرآن سورة ؟ بود آيا کسی را ميرسد که بگويد حجت نيست حاشا و کلا بلکه در حجت بودن اين سورة معادل با حکم قرآن و معجزه جميع انبياء و اوصياء لويتانه بقول اهلش کوه ؟ عجب آنست ميدان اين گوی صاحب اين امر علما اجتماع نموده گوی خود را بميدان آرند آنوقت صلاي ای و الله بلند خواهد شد خود شما هميشه قرآن خوانده ايد بقدر تلاوت کمی تميز ميدهيد بحق خداوندي که خاتم برید اواست که اگر جميع اهل ارض جمع شوند باينکه يك آيه بياورند عاجز خواهند شد اگر هم چیزی بياورند کلمات مسروقه خواهد بود نه اين است که بر لسان ايشان بر فطرت جاری شود چنانچه در صدر اسلام فصحاء اعراب ادعا نمودند و آخر رو سياه و خجل شدند حقير شرح سورة يوسف را در چهل روز که همه روز بعضی از ان مينوشتم اتمام نمودم و هروقت بخوادم هرچه بنويسم روح الله مؤيد است مثل صحيفه که فرستادم يك شبانه روز منتهی نوشتم هرکسی از علما مدعی است بسم الله چنانچه اشخاصيکه مشاهده نوشتن را نموده اند فهميده اند که چنين امری تا حال از احدی علماء ظاهر نشده بعد از کتاب حجت خداوند بر کل عالم تمام است و اشخاصيکه افتراء بر امام خود ميزند که آيات و صحيفه ماخوذه از کتاب الله و ادعيه است جزاء ايشان با خداوند است از روزی که اين امر ظاهر شده عمل کل خلق باطل است الا بعد از تصديق ؟ و اين حکم خداوند است هرکس ميخواهد تصديق کند از برای خودش است هرکس هم تکذيب کند عقوبت بخودش ميرسد اگر چه مرادم از اين فقرات اينست که از بحر اضطراب هوا خارج شده برکن سکون مستقر گردند کليه اهل بلد را

اول قابل ندیدم اظهار کنم بلکه حیف است که بر علم چنین امری غیر اشخاصیکه قابل هستند و ارد شوند الان هم سکم بلد مثل قبل است هرکس را تصدیق از تبعیت یکدیگر است آنچه اظهار نمودم تا حال بحکم الدهر انزلی بود و الا کسیکه بر لسان آن حکم شجره طور جاری شود لایق نیست این قسم در مقام عجز با عباد الله مجاهده نمایند بحق خداوندیکه لسان مرا باین علوم حجت فرموده که کل خلق امروز در علم نزد من مثل این قلم جمادی است که درید من هست و عرضم از این مقام اظهار فخریه نیست بلکه هر ذی روحی تمیز میدهد که عالی هرگاه وصف کند خود را از برای رتبه مؤخر ظلم بخود کرده زیرا که آن نمیتواند تمیز امر علا را دهد بلکه آن کتمان اسم اول ملاحظه همین مزخرفات جنود شیطان را مینمودم حال که ظاهر شده حرفی با کسی نیست حجة نزد هرکسی هست کسی هم قادر بر فهمیدن کلمات حقیر نیست که مقصود تدریس و حکم میان خلق باشد همین قدر حظ علما عجز است و حظ عوام تصدیق آنکه اشاره نموده اند که مردم کلمات باطل میگویند ضرری نمیرساند اول در حق خداوند گفتند عزیز ابن الله دوم در حق رسول الله گفتند مثل آنچه در حق من گفتند انه لمجنون و خداوند عالم بود ایشان نازل فرموده وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ كَذَلِكَ در شان آل - سلام الله عليهم - و این سنة سنة در میادی عالیه با ماست هرچه هم میخواهم فرار کنم چون خداوند عالم مقرر فرموده چاری هیچ وجه خوفی از احدی نداشته باشید که مثل بیت عنکبوت هستند و هرچه خداوند عالم جاری فرموده خیر است و هرگاه نعوذ بالله مردم بنای انکار گذارند محروم خواهند شد از آیات امام شور و حیرت ایشان بجائی نخواهد رسید این ورقه حکم این دایره و اشخاصیست که در مقام طلب هستند و هرگاه خارج شوند همان جوان تاجری که بودم هستم از اشارات صفحه مقابل تصور نفرمایند که احتیاجی به تصدیق اهل بلد یا نصرت اهل ارض داشته باشم منتهی امر این است که همگی تکذیب نمایند همین قدر که زمانی گذشت کل آیات نازله از ید مقیر مثل قرآن خواهد شد و همه خلق تلاوت خواهند نمود و امروز نزد حکم افضل و ادنی از ایشان سواست سلطان با اخص رعیة در یک صقع است امر حق نجیه بردار نیست هرکس سبقت گرفت فایز شد و هرکس واقف ماند مؤخر ماند الی یوم القيمة و امروز بر کل نصرت امر حق است با عزة تمام حال دو ماه است شرح سوره یوسف در میان خلق

است و حال آنکه مثل شمس در وسط السماء ظاهر است نزد اهل فهم نه خرهای اضل که از جانب حجتی است که مردم در حال سؤال فرح میکردند و هنوز احدی يك نسخه درست تمام نکرده است **أَفَّ عَلَيْهِمْ ثُمَّ أَفَّ عَلَيْهِمْ** چند جزوی که فرستاده بودند از شیراز و يك روز رسید اغلب غلط و در بعضی مواقع تبدیل یافته بملا صادق اخبار نمائید که بعضی آیات آن چون بلا علم و واقعی مبدل شده حجیت نزد خودم ندارد اگرچه از برای مردم يك آیه صحیح آن کافیت و رقاتی که در دست خودم است از آیات همانها حجت است ظاهر در شیراز دزدها خودشان گروه مثل آن سوره فرستاده باشند میگویند صحیفه از ادعیه برداشته شده الان در ورقه دعای بر استعجال نوشته شده که مضمون و عبارش در هیچ دعای نیست و رندان دروغ گو تلاوت نمایند اگرچه نمیفهمند اگر عار و حیا دارند قدری عرق بریزند نسخه همین دعا را باب طلا باحسن خط باحدی بدهند بنویسند و لکن بقسمی که در جزوه هفت ورقه نزد کل باشد یکورقه اینها در حجیت کافیت اهل ارض را میگویند خیر مثل سوره رضوان که اغلب کلمات آن در قرآن نیست همین مطلب را علما نشسته هرگاه توانستند صحیفه صحافی شود و بزودی بجهت صاحب ام فرستاده باشند که میخواهند مداومت بتلاوت بتلاوت آن نمایند ولی چیز قطعه در کاغذ ترمه بسیار ممتاز باشد وقت در صحت و اعراب هم اگر اهل علم هستید تمیز دهید ولی به احسن خط باشد هرگاه ده اشرفی و زیاده خرج آن شود مضایقه ندارم در آیات امام زمان - علیه السلم - شان گدائی مردود است آنچه ظاهر میشود آخوند ملا صادق در ضعف حرکت مینماید این عمل سزاوار این مقام نیست همین ورقه با دعا بدهند قرائت نمایند تا بریقین مستقر گردند و بیسوادان ورقه و دعا را نوشته باشند نگاه دارند و بمثل آن نوشته باشید و بجهت میرزا حسن فرستاده باشید الدعاء و اِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ و اِنَّ مِمَّنْ بِاشِيدٍ و خط ملفوف را مطالعه نموده جواب عفو ملا حسین و نصرت دین است و همین حکم حق است خداوند و اولیاء ان شاهد هستند مسئله رؤیة از من نیست **"من ادعی الرؤیة فکذبوه"** بل طریق اخذ حدیث **"من أحببنا وزاد فی حببنا وأخلص فی معرفتنا الی آخره"** میباشد و السلام خیر الکلام و الحمد لله رب العالمین